

# دیدگاه‌های فلسفی و عرفانی در توصیف موسیقی و میزان باورپذیری آن در نزد نسل جوان موسیقی \*

محمد رضا آزاده فر\*\*

دانشیار دانشکده موسیقی، دانشگاه هنر تهران، تهران، ایران.  
(تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۴/۸، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۲/۷/۱۳)

## چکیده

بررسی آرای ارائه شده توسط فلاسفه و عارفان نشان می‌دهد، آنها در برخی دیدگاه‌ها دارای اشتراک نظر هستند و در برخی باورهای دارای دیدگاهی متفاوت می‌باشند. تلقی کردن موسیقی به عنوان یکی از بخش‌های حکمت نظری و دانستن آن به عنوان یکی از شاخه‌های علوم وسطی، موضوعی است که اگرچه بحث اصلی متکلمان در زمینه موسیقی را شامل می‌شود، توسط عرفا نیز به نوعی مورد تأیید قرار گرفته است. از زمینه‌های دیگر که بین فلاسفه و عرفا مشترک است، انتساب موسیقی به افلاک است. پیروی از اندیشه تشبیه و خیال از اصلی‌ترین زمینه‌های تفاوت دیدگاه فلاسفه و عرفا است. مطالعه حاضر در زمینه باورپذیری دیدگاه‌های فلسفی و عرفانی اندیشمندان ایرانی توسط جوانان موسیقیدان ایرانی در یک جامعه آماری ۴۰۰ نفری نشان می‌دهد، جوان امروز ایرانی برخلاف پیشداوری‌هایی که او را فاقد نظر و بی تفاوتی می‌انگارد، در زمینه آرای مختلف، واکنش‌های متفاوتی از خود نشان می‌دهد. همچنین نتایج حکایت از رنگارنگ بودن و تنوع دیدگاه‌های جوانان در زمینه موضوعات فلسفی و عرفانی دارد. به نظر می‌رسد ساختار ذهنی و درونی جوان ایرانی به هر نوع هنوز تحت تأثیر اندیشه‌های سترگ عرفانی و فلسفی نیاکان خود است، هرچند در دنیای پیرامون در مورد بروز، پرورش و بهره‌گیری از آن با کاستی مواجه باشد.

## واژه‌های کلیدی

فلسفه و موسیقی، عرفان و موسیقی، نوازندگان جوان ایرانی، موسیقی افلاک، اوقات تغنی، جامعه‌شناسی موسیقی ایران.

\* این پژوهش با پشتیبانی صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوریان کشور بین سال‌های ۹۲-۱۳۹۱ به انجام رسیده است.  
\*\* تلفکس: ۰۲۶۳-۲۵۱۱۰۱۳، E-mail: azadehfar@art.ac.ir

## مقدمه

زمانی که ما به موضوع موسیقی می‌رسیم، بسیار مشکل است. بدین صورت که به آرای فلاسفه، نسیم عرفانی می‌وزد و عرفا آرای خود را با چاشنی فلسفی ارائه می‌دهند. در گستره تاریخ علم موسیقی، اولین نامی که دیده می‌شود، ریاضیدانی به نام فیثاغورث است و هم او نیز اولین کسی است که به تئوری‌های ریاضی مرتبط به موسیقی خود رنگ و بوی عرفانی می‌دهد. در افسانه‌های منسوب به این ریاضیدان نقل است که او علم موسیقی را از اصوات هماهنگ افلاک دریافته است و در این رهگذر، طبیعت اصیل و عقل دقیق او یاریگر وی بوده است. جنبه عرفانی دیدگاه فیثاغورث، تفکر او را با «عهد الست» و «عالم ذره» پیوند داد. از این منظر، عرفا را عقیده بر این بود که «پیوستگی تأثیر روحانی موسیقی بر روح امری ازلی است و به هنگام استماع موسیقی، بار دیگر کلام حق را می‌شنود که جملگی ارواح بشر در ازلیت بدان پاسخ دادند و به همین طریق با الحان سپاه بهشتی هم‌آوا گشتند» (مددپور، ۱۳۸۴، ۲۷). اندیشه‌های فیثاغورث در مورد موسیقی، در ادامه مورد توجه افلاطون قرار گرفت و ضمن نگهداشته شدن وجه عرفانی آن در حوزه فلسفه توسعه یافت و در مواردی نیز مورد نقد فلاسفه اسلامی مانند فارابی و ابن‌سینا قرار گرفت.

فلاسفه اسلامی تقریباً به اتفاق، دیدگاه ارسطو در طبقه‌بندی موسیقی به عنوان یک قسم از اقسام چهارگانه علوم «ریاضی» را پذیرفته‌اند؛ ولی از جهت دخیل بودن احساس آدمی و ادراک متفاوت او از این هنر، موسیقی را «هنر» نیز محسوب داشته‌اند. تفاوت دیدگاه‌های اندیشمندان نیز مربوط به همین بخش دوم یعنی کارکرد حسی موسیقی به عنوان هنر است و در بخش نخست - که دیدگاه‌های ریاضی موسیقی طرح می‌شود - اختلاف چندانی در آرا وجود ندارد. متکلمان از ورود عمیق به مبحث کارکردهای موسیقی با روح و جان تا حدود زیادی پرهیز کرده‌اند، همانگونه که عرفا نیز بیشتر به کارکرد موسیقی بر نفس و جان پرداخته‌اند و مناسبات فلسفی و ریاضی موسیقی را به شکلی محدود مورد توصیف قرار داده‌اند. در پژوهش حاضر، نگاه فلاسفه و عرفا به موسیقی مورد مطالعه قرار گرفته و پنج شاخصه اصلی استخراج شده از آنها در یک پژوهش میدانی برای جوانان اهل موسیقی طرح گردیده است. هدف این امر، بررسی میزان باورپذیری این اندیشه‌ها در نزد جوانان امروز ایران که به موسیقی اشتغال دارند، بوده است. ترسیم خط معین و قطعی بین نظریه‌های فلسفی و عرفانی در

## مرور کوتاه آرا

### دیدگاه‌های فلسفی به موسیقی

برهان‌های عقلی و نقش آنها در شکل‌گیری هنرها، ریشه در دیدگاه تنزیهی دارد. توصیف صور فلکی و نظم حاکم بر کائنات بر بنیان عقل، اندیشه‌ای را ایجاد کرده که با بهره‌گیری از برهان نظم، سعی در اثبات واجب‌الوجود دارد. توصیف ساختمان و رموز موجود در ساختار موسیقی و تشبیه آن به منطق موجود در صور فلکی، ریشه در این تفکر دارد. همچنان که واژه Universe اشاره به آوازی وحدت بخش و یگانه دارد که توسط مخلوقات و کائنات در حال نواختن است.

آغازگر این تفکر فیثاغورث است که در ادامه توسط افلاطون و ارسطو بسط یافت. بلخاری (۱۳۸۸ ب) معتقد است که فیثاغورث در قدسی انگاشتن اعداد از تمدن سومری تأثیر پذیر بوده است. امروزه مبنای تقسیم‌بندی علوم که موسیقی را به همراه حساب، هندسه و نجوم در یک گروه تحت عنوان فلسفه وسطی یا ریاضیات قرار می‌دهد را منتسب به ارسطو می‌دانند. از پیشروان این دیدگاه می‌توان به فارابی (متوفی ۳۳۹ ه. ق. / ۹۵۰ م) اشاره کرد که در مواردی آرای فیثاغورث را مورد نقد نیز قرار داده است. البته پیش از فارابی، کندی (متولد ۱۸۵ ه. ق.) نیز در مورد دیدگاه‌های فلسفی موسیقی نظراتی را ارائه نموده است؛ لیکن به دلیل آنکه از یک سو او را فیلسوف عرب می‌دانند و از سوی دیگر اندیشه‌های او در زمینه فلسفه تحت تأثیر ارسطو و افلاطون بوده و در زمینه حساب و اعداد نیز متأثر از فیثاغورث بوده، مورد بررسی قرار نمی‌دهیم.

از مهم‌ترین اندیشمندان دیگری که دیدگاهی عقلی را در توصیفات موسیقی دنبال می‌کند، ابوعلی سینا (۴۲۸-۳۷۰ هجری قمری) است. اگرچه صاحب کنزالتحف، اندیشه‌های او را از فارابی متغایر می‌داند. اما ابوعلی سینا در شیوه ارائه مفاهیم موسیقی تا حدی از شیوه فارابی پیروی می‌کند. او در زمینه عرفان نظری همچنان که در ادامه این مقاله خواهیم دید، فعالیت‌هایی داشته است اما مانند فارابی بیشتر نوشته‌های او در مورد موسیقی دیدگاهی علمی و فلسفی را دنبال می‌کند. ابن‌سینا، هم در بخش موسیقی رساله نجات و هم در دانشنامه علائی، موسیقی را کاملاً ریاضی وار مورد بررسی قرار می‌دهد و کمتر از مباحث روانشناسی و عرفانی آن سخن به میان می‌آورد. با وجود آن که دانشنامه علائی بیشتر مورد توجه خوانندگان فارسی‌زبان قرار گرفته است، اما رساله او به زبان عربی که در فن دوازدهم کتاب شفا با عنوان «جوامع علم الموسیقی» نگاشته شده، مهم‌ترین و اصلی‌ترین منبع موسیقی نگاشته شده توسط ابن‌سینا است (بلخاری، الف، ۱۳۸۸، ۳۱).

از دیگر اندیشه‌های استدلالی و فلسفی در مورد موسیقی، می‌توان به اندیشه‌های اخوان‌الصفا اشاره کرد. اخوان‌الصفا در اواسط قرن چهارم هجری به شکل انجمنی مخفی در بصره و بغداد تشکیل شد. اعضای این انجمن، جمعی از علما و دانشمندان بزرگ اسلام بودند که اکثر آنها را ایرانیان تشکیل می‌دادند. مرام اصلی یا اساس‌نامه آنها این بود که می‌گفتند دیانت اسلام به خرافات و اوهام آمیخته شده است و برای پاک کردن دین از آلودگی‌های ضلالت‌انگیز، جز فلسفه راهی نیست و شریعت اسلامی آنگاه به کمال می‌رسد که با فلسفه یونانی درآمیزد و مقصود ما همین است که دین را با فلسفه موافقت، و شریعت حقه را از آلودگی

وگر مرد سهو است و بازی و لاج  
قوی‌تر شود دیوش اندر دماغ  
پریشان شود گل به باد سحر  
نه هیزم که نشکافدش جز تبر  
جهان بر سماع است و مستی و شور  
ولیکن چه ببند در آیینه کور

## جمع‌بندی آرا

از بررسی مجموع آرای ارائه شده توسط فلاسفه و عارفان می‌توان جمع‌بندی کرد که آنها در برخی دیدگاه‌ها دارای اشتراک نظر هستند و در برخی باورها، دارای دیدگاهی متفاوت می‌باشند. در اینجا مختصراً مهم‌ترین این مشترکات و تفاوت‌ها تبیین می‌شود.

تلقی موسیقی به عنوان یکی از بخش‌های حکمت نظری و دانستن آن به عنوان یکی از شاخه‌های علوم وسطی یا ریاضی موضوعی است که اگرچه بحث اصلی متکلمان در زمینه موسیقی را شامل می‌شود، توسط عرفان نیز به نوعی مورد تأیید قرار گرفته است. تقسیم بندی حکمت به **اولی** (الهیات) و **وسطی** (ریاضیات) و **سُفلی** (طبیعیات) که ریشه آن به یونان قدیم برمی‌گردد، به عنوان یک ضرورت به طور اتفاق در بحث همه فلاسفه و اندیشمندان اسلامی آمده است، حتی آن دسته از آنان که در نظریه‌های فقهی خود موسیقی را از نظر شرعی تجویز نکرده‌اند. با نگاه به رسالات باقی‌مانده از علمایی که دیدگاه‌های عقلی را اساس کار خود قرار داده‌اند، می‌بینیم که بدون استثناء در بخش ریاضیات به موضوع موسیقی پرداخته‌اند. آن دسته از این اندیشمندان که توانایی‌های بیشتری در این حوزه داشته‌اند، این بخش را کامل‌تر نوشته‌اند و آن دسته که اطلاعات آنان صرفاً بر اساس آرای اندیشمندان پیش از خود بوده است، این بخش را مختصر برگزار کرده‌اند. فارابی، ابن‌سینا، اخوان‌الصفا و قطب‌الدین شیرازی از جمله اندیشمندانی هستند که موضوع موسیقی را با تفصیل بیشتری مورد بحث قرار داده‌اند. رسالات این اندیشمندان از نظر فنی چنان دقیق و بسیط نگاشته شده که امروزه هنوز مورد استفاده است. در مقابل، عرفا اگرچه کلیت این بحث را پذیرفته‌اند؛ اما در نوشته‌های آنان کمتر می‌توان اصول فنی موسیقی را به عنوان شاخه‌ای از علم ریاضی یافت.

از زمینه‌های دیگر که بین فلاسفه و عرفا مشترک است، انتساب موسیقی به افلاک است که منشأ آن را در اندیشه‌های فیثاغورث می‌دانند. اگرچه موضوع بررسی فنی موسیقی به عنوان یکی از زیرشاخه‌های ریاضی توسط متکلمان با گستره وسیعی به بحث کشیده شده است و عرفا کمتر به آن پرداخته‌اند، در حوزه انتساب موسیقی به صور فلکی قضیه برعکس است؛ یعنی عرفا به این موضوع علاقه و تمایل بیشتری نشان داده‌اند. البته در این زمینه، اخوان‌الصفا را می‌توان استثناء دانست (بلخاری، ۱۳۸۸، ۱۳۹). چراکه اگرچه آنان خود را پیرو بی‌چون و چرای فلسفه می‌دانستند و راه‌رستگاری و پالایش دین از خرافه‌ها را نیز استعانت از فلسفه برمی‌شمردند، به موضوع موسیقی که می‌رسند نرمش عرفانی

اوهام و خرافات شستشو دهیم تا پایدار ماند و مورد قبول عقلا و دانشمندان ملل قرار گیرد. نظر دیگر که در آغاز رسایل تصریح کرده‌اند، عبارت از این است که فلسفه چون از زبانی به زبان دیگر آمده، حقایقش نامفهوم و پیچیده گشته و تحریفات در آن راه یافته است. ما می‌خواهیم مقاصد اصلی فلاسفه را پوست‌باز کرده بیان کنیم تا درخور فهم گردد (دهخدا، ۱۳۸۱، مدخل اخوان‌الصفا).

اخوان‌الصفا، در جهان‌بینی متأثر از کندی و فارابی هستند اما در مورد موسیقی، به نظر می‌رسد دیدگاه‌های آنان نمایان‌گر اندیشه‌های فیثاغورث و پیروان اوست (بلخاری، ۱۳۸۳، ۵). فیثاغورثیان در بنیان‌گذاری نظام موسیقایی، بر علم عدد و دریافت‌های فیثاغورث از هندسه پیشرفته مصری و ریاضیات سومری متکی بودند، اما در تحلیل عرفانی، موسیقی را به افلاک و بازتاب حرکت آنها نسبت می‌دادند. گرچه این نظر مورد انتقاد افرادی چون فارابی و یوعلی واقع شد، اما اخوان‌الصفا به شدت تحت تأثیر عقاید عرفانی فیثاغورثیان در مورد موسیقی بودند. اخوان‌الصفا در ابتدای رساله موسیقی، غرض خود از تألیف این رساله را، معرفت به نسبت‌ها و کیفیت تألیف آنها در موسیقی می‌دانند و نه تعلیم غنا و ملاحی.

## دیدگاه‌های عرفانی به موسیقی

صاحبان هنر در دنیای اسلام معمولاً جهان را با نگاهی عرفانی نگاه می‌کنند تا دیدگاهی فلسفی، از این رو در آثار آنها، نشانه‌های تشبیه بیش از سایر نشانه‌ها دیده می‌شود. آنها برای بیان تشبیهات خود دست به دامن خیال می‌شوند. عنصر خیال، اصلی‌ترین فاکتور در بیان پدیده‌ها و توصیفات از جمله وصف الهی است همچنان که حافظ می‌گوید:

نقش خیال روی تو تا وقت صبحدم

بر کارگاه دیده بی‌خواب می‌زدم  
در این قسمت، مهم‌ترین آبخورهای اثرگذار در عرفان اسلامی را مورد مطالعه قرار می‌دهیم و دیدگاه‌های عرفانی و صوفیانه در توصیف موسیقی را در هریک از این حوزه‌ها بررسی می‌کنیم. از موسیقی در حلقه رندان و صوفیان به «سماع» یاد می‌شود. عطار در تذکرة الأولیاء نقل می‌کند که از جنید بغدادی (متوفی ۲۹۷ ه. ق.) پرسیدند که «چه حالت است که مرد آرمیده باشد و چون سماع را شنود اضطراب در وی پدید آید. گفت حق تعالی ذریت آدم را در میثاق خطاب کرد که الستُ بر بکم، همه ارواح مستغرق لذت آن خطاب شدند. چون در این عالم سماع شنوند، در حرکت و اضطراب آیند» (عطار، ۱۳۸۳، ۱۷۱). صوفیه همواره اجازه شرکت در سماع را با توجه به وضع روحی افراد جایز دانسته و کسانی را که از ورطه عالم مادی و کشش آن‌ها بی‌نیافته‌اند را شایسته استفاده از آن نمی‌دانند:

نگویم سماع ای برادر که چپست

مگر مستمع را بدانم که کیست

گر از برج معنی پرد طیر او

فرشته فروماند از سیر او

زیادی از خود نشان می‌دهند و بحث انتساب موسیقی به کواکب را با گستره و تفصیل زیادی تبیین می‌کنند.

پیروی از اندیشه تشبیه و خیال، از اصلی‌ترین زمینه‌های تفاوت دیدگاه فلاسفه و عرفا است. پیروان دیدگاه تنزیه معتقدند بین خالق و مخلوق (در اینجا انسان) هیچ ارتباط وجودی جز نسبت خالقی و مخلوقی وجود ندارد؛ به آن دلیل که خداوند منزّه و متعالی‌تر از آن است که هیچ شباهتی با مخلوق خود داشته باشد. از این رو انسان قادر به نائل شدن به معرفت پروردگار نیست. در مقابل، عرفا معتقدند که خداوند با مخلوقش نسبتی دارد، چرا که اگر هیچ نسبتی بین این دو نباشد، اساساً دستیابی به معرفت برای مخلوق ناممکن می‌شود. اساس آفرینش هنرمندان عارف، بهره‌گیری از تشبیه در بیان هنری است. بر این مبنا پروردگار همواره در نقش معشوق ظاهر می‌شود و هنرمند نقش عاشقی را برای خود در نظر می‌گیرد. در این میان معشوق همواره ناز می‌کند و عاشق نیاز می‌نماید. این خصوصیت بنیان اصلی اشعار عرفانی را می‌سازد. اما در حوزه موسیقی، شرایط تا حدودی متفاوت می‌شود. در حوزه موسیقی در برخی موارد عارف خود را سازی در دست پروردگار می‌داند که اگر نوازی از او برمی‌خیزد در واقع این پروردگار است که در حال نواختن اوست و او صاحب اختیار است که هرگونه که می‌خواهد او را بنوازد. سعدی (۱۳۷۲، ۳۹۷) می‌فرماید:

همچو چنگام سر تسلیم و ارادت در پیش

تو به هر ضرب که خواهی بزن و بنوازم

مولوی (۱۳۴۵، ۲۶۹۳) می‌فرماید:

از آن رگ‌هاست بانگ چنگ خوش رگ

ز عکس و لطف آن زاری است زاری

ز بحر بی کنار است این نواها

کی می‌غرد به موج از بی کناری  
حافظ (۱۳۷۸، ۱۲۳) نیز، در جای‌جای اشعار خود به این نکته اشاره می‌کند که نوازنده اصلی خداست و صدایی که از ساز برمی‌آید، حاصل نواختن اوست:

مطرب عشق عجب ساز و نوازی دارد

نقش هر نغمه که زد راه به‌جایی دارد

عالم از ناله عشاق مبادا خالی

که خوش آهنگ و فرح بخش هوایی دارد

چنگ خمیده قامت می‌خواندت به عشرت

بشنو که پند پیران هیچت زیان ندارد

علاوه بر حافظ، عارفان دیگری نیز نوازی ساز را از سرمنشأ الهی می‌دانند. شیخ جنید بغدادی عارفی است که در یکی از قصیده‌های خود این موضوع را طرح می‌کند.

خورده از طنبور تو بربط فراوان گوشمال

هست نی را داغ‌ها از صوت خوبت بر جگر

بربط و قانون و طنبور و رباب و چنگ و نی

در ره انصاف از عود تو باشد یک وتر

عارف برای چنین نواهایی که توسط پروردگار نواخته می‌شود

یک ویژگی مهم قائل است و آن این است که صرفاً گوش‌های پاک

قادر به شنیدن آن هستند (حافظ، ۱۳۷۸، ۲۸۶):

تا نگریدی آشنا زین پرده رمزی نشنوی

گوش نامحرم نباشد جای پیغام سرش

چنگ در پرده همی می‌دهد پند ولی

و عظمت آنگاه کند سود که قابل باشی

در مواردی دیگر عارف ساز را، در نقش واسطه‌ای بین

پروردگار و خود می‌داند. در این شرایط چون آدمی قادر نیست

مانند موسی، کلیم الهی شود، نوای الهی با واسطه ساز به گوش

او می‌رسد. مانند شعر زیر (حافظ، ۱۳۷۸، ۲۴۴):

رباب و چنگ به بانگ بلند می‌گویند

که گوش هوش به پیغام اهل راز کنی

در مواردی ساز نقش روایتگر قصه جدایی بین عاشق و معشوق

را بازی می‌کند و در دست عشق یا معشوق نواخته نمی‌شود.

بزرگترین نمونه این مورد، نی‌نامه مولوی (۱۳۷۸، ۱) است.

بشنو از نی چون حکایت می‌کند

وز جدایی‌ها شکایت می‌کند

در مواردی نیز عارف در شادکامی رسیدن خبر وصال

معشوق مطرب را می‌طلبد که نوای شادمانه وصال بنوازد. در این

زمان نوازنده نه عاشق است نه معشوق بلکه به عنوان شخصیتی

سوم در رونق مجلس عاشق و معشوق عمل می‌کند. شعر زیر از

سعدی (۱۳۷۲، ۳۴۴) است:

ساقی بده آن شراب گلرنگ

مطرب بزن آن نوای بر چنگ

عشق آمد و عقل همچو بادی

رفت از بر من هزار فرسنگ

فراتر از استفاده سمبلیک از ساز و نوازنده، شاعران و عارفانی

که با شعبه‌ها و مقامات موسیقی ایرانی آشنایی داشته‌اند، پا را

از این فراتر گذارده و هریک از خسروانی‌های پیش از اسلام

و مقامات پس از اسلام را در نقش سمبل‌های متفاوت مورد

استفاده قرار داده‌اند. بیشترین اینگونه بهره‌برداری‌ها، در اشعار

حافظ، منوچهری دامغانی، نظامی، و مولوی به چشم می‌خورد.

در این زمینه تلاش‌هایی در زمینه ریشه‌یابی این سمبل‌ها توسط

پژوهشگران قبلی به انجام رسیده اما کارهای بیشتری در

این زمینه نیاز به انجام دارد که امید است محققان بعدی آن را

آن‌چنان‌که درخور است مورد توجه قرار دهند.

## مطالعه میدانی: دیدگاه جوانان امروز ایران در

### زمینه آرای فلسفی و عرفانی مرتبط به موسیقی

مرور منابع علمی و بررسی دیدگاه‌ها در زمینه موضوعات فلسفی و عرفانی، اگرچه دریچه‌ای به تفکر فلاسفه و عرفا می‌گشاید، لیکن تابلوی واضحی از واقعیت‌های روز را به دست نمی‌دهد. به بیان دیگر، با مطالعه آرای اندیشمندان این دو حوزه، می‌توان رهیافت مفیدی به تفکر طبقات خاص جامعه در دوره‌های معین ویژه حیات آنها ارائه نمود؛ اما این واقعیت که توده‌ها به ویژه در دوره معاصر چگونه تلقی‌ای از این اندیشه‌ها دارند، بی‌پاسخ

تخصصی‌تر می‌شود به نحوی که در سؤال چهار اندیشه این‌عربی در مورد شریف‌تر بودن هنر موسیقی نسبت به هنرهای بصری مورد نظرسنجی قرار می‌گیرد و در سؤال آخر موضوع اوقات تغنی که نگاهی تخصصی‌تر به مقامات و ارتباط آن با دو مقوله «زمان» و «احوال شنونده» دارد و در رسالات کهن خاص موسیقی آمده است، مورد نظرسنجی جامعه آماری قرار می‌گیرد. ذیلاً پرسش‌های پنج‌گانه به همراه نتایج کلی حاصله ارائه می‌شود.

## نتایج مطالعه میدانی در گستره عمومی

### ۱. ارتباط موسیقی با افلاک

در سؤال اول جمله زیر طرح شد:

«ستاره‌ها و سیارات در عین تفاوت در طبیعت و اندازه، با ریتمی مشخص بر مدارهایی منظم حرکتی هماهنگ دارند. بر این اساس، موسیقی تجسمی از افلاک است.»

سپس از شرکت‌کنندگان خواسته شد یکی از گزینه‌های پنج‌گانه ارائه شده را انتخاب نمایند:

الف. موسیقی به‌طور مطلق بر اساس تناسبات کواکب است.

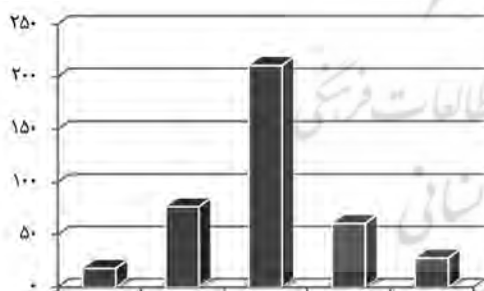
ب. موسیقی تشابهی کامل و عینی با افلاک دارد.

ج. موسیقی تشابهی نسبی با افلاک دارد.

د. تشابه موسیقی و افلاک زائیده خیال است و هیچ پایه و اساسی ندارد.

ه. نظر دیگری دارم (حداکثر در دو سطر)

نمودار زیر نتایج حاصل شده از پاسخ شرکت‌کنندگان را به صورت ستونی و در مبنای عددی به نمایش می‌گذارد:



نمودار ۱- نظر شرکت‌کنندگان در مورد دیدگاه فلاسفه در زمینه ارتباط موسیقی و افلاک.

همان‌گونه که در نمودار مشاهده می‌شود، بیش از نیمی از شرکت‌کنندگان (۵۳٪) معتقدند که «موسیقی تشابهی نسبی با افلاک دارد». با این وجود حدود ۱۵٪ از آنها بر این باورند که چنین اعتقادی هیچ پایه و اساسی ندارد و تشابه موسیقی و افلاک زائیده خیال است. چنین درصدی در حوزه فرهنگی ایران به ویژه در میان اهل موسیقی اگرچه آمار قابل توجهی نیست، لیکن ریشه در فاصله گرفتن بخشی از نسل جدید از باورهای قدیمی فلسفی دارد. حدود ۷٪ از شرکت‌کنندگان اعلام کرده‌اند که نظری دیگر در این زمینه دارند که مهم‌ترین این نظرات که بیشترین فراوانی را داشته است ذیلاً جمع‌بندی می‌شود:

می‌ماند. برای به تصویر کشیدن این مهم، ضروری است که برداشت و ادراک افراد مورد سنجش قرار گیرد. این امر مستلزم سرمایه‌گذاری‌های کلان و در گستره بسیار وسیع است. اما برای هدفی که تحقیق پیشرو دنبال می‌کند، جامعه آماری محدودتری از جوانان اهل موسیقی انتخاب شده تا میزان باورپذیری پاره‌ای از مهم‌ترین اندیشه‌های فلاسفه و عرفا در مورد موسیقی مورد کاوش قرار گیرد. اگرچه کاوش تفکر افراد که موضوعی غیرمادی است بسیار مشکل می‌نماید، لیکن محصول آن به هر اندازه که نسبی باشد نیز، قادر خواهد بود تا واقعیات روز ایران را در حوزه تفکر، هرچند محدود، روشن نماید.

### روش تحقیق

یک مطالعه میدانی در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ توسط نگارنده صورت گرفت تا میزان باورپذیری آرای فلاسفه و عرفای قدیم در مورد موسیقی در نزد جوانان را ارزیابی نماید. برای این منظور تعداد ۴۰۰ نفر از دانشجویان و هنرجویان رشته موسیقی در گرایش‌های متنوع نوازندگی و آهنگسازی از سه حوزه تهران، اصفهان، و گیلان انتخاب گردیدند و پرسشنامه‌ای حاوی پنج سؤال کلیدی بین آنها توزیع گردید و از آنها خواسته شد - صرف نظر از دیدگاه‌های مطالعه کرده در منابع و شنیده‌های خود - سعی کنند صرفاً باور خود را در هریک از موارد در پاسخ‌نامه منعکس کنند. پنج سؤال مطرح شده در این پرسشنامه، اصلی‌ترین جنبه‌های باور ذهنی در مورد دیدگاه‌های فلسفی یا عرفانی در مورد موسیقی را به صورت مستقیم یا غیرمستقیم مورد جستجو قرار می‌داد.

### نمونه‌گیری و حجم نمونه

جامعه آماری این مطالعه از بین دانشجویان و هنرجویان موسیقی در سه حوزه تهران، اصفهان و گیلان که سابقه بیشتری در زمینه تربیت تخصصی دانشجویان و هنرجویان در زمینه موسیقی را دارند، با روش تصادفی ساده انتخاب شده‌اند. حجم نمونه به تناسب فراوانی مراکز تخصصی موسیقی هر حوزه به شکل زیر تعیین و انتخاب گردید: ۱۹۷ نفر از تهران، ۱۵۷ نفر از اصفهان و ۴۶ نفر از گیلان. متوسط سن شرکت‌کنندگان در این مطالعه ۲۱ سال است.

### پرسش‌نامه

پرسشنامه طراحی شده برای این مطالعه، مشتمل بر پنج سؤال است که اصلی‌ترین جنبه‌های باور ذهنی در مورد دیدگاه‌های فلسفی یا عرفانی در مورد موسیقی را به صورت مستقیم یا غیرمستقیم مورد جستجو قرار می‌داد. اولین سؤال، میزان باور نمونه‌ها را در مورد دیدگاه فلاسفه در زمینه ارتباط موسیقی با افلاک مورد سؤال قرار می‌دهد. در دو سؤال بعدی باور آنها در مورد دیدگاه عرفا در زمینه ارتباط خالق و مخلوق از طریق موسیقی مورد بررسی قرار می‌گیرد. سؤالات به تدریج

در دیدگاه جوانان ایرانی به خصوص اهل موسیقی در مورد این باور عرفانی است. این واقعیت، یکسان به حساب آوردن تفکرات جوانان در زمینه برنامه‌ریزی‌های فرهنگی کشور در زمان معاصر را، به شدت به چالش می‌کشد.

در بین پاسخ‌دهندگان که سعی کرده‌اند نظری متفاوت از گزینه‌های پاسخ‌نامه را انتخاب نمایند، موارد زیر شایان توجه است:

- آدمی به شکلی دوگانه عمل می‌کند. او گاه بر مسند نوازندگی می‌نشیند و می‌نوازد و گاه در مقام ساز در دست پروردگار نواخته می‌شود.

• این دیدگاه با دیدگاه جبری انطباق می‌یابد و از این رو پذیرفته نیست.

• آدمی عروسک خدا نیست!

• آدمی بخشی از خداست بر این اساس از خدا جدا نیست که به عنوان سازی در دست او عمل کند.

### ۳. موسیقی به عنوان واسطه انتقال پیام بین آفریدگار و انسان

در سؤال سوم جمله زیر طرح شد:

«عقیده عرفانی دیگری وجود دارد که بر اساس آن، موسیقی واسطه‌ای بین آفریدگار و انسان برای انتقال پیام است.»

سپس از شرکت‌کنندگان خواسته شد یکی از گزینه‌های پنج‌گانه ارائه شده را انتخاب نمایند:

الف. کاملاً موافقم

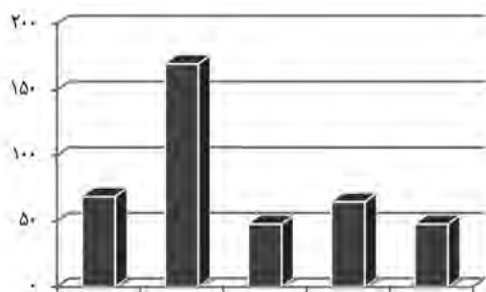
ب. این پیام دائماً در حال انتقال است، اما شخص باید در خود، آمادگی دریافت را فراهم آورد.

ج. صرفاً آن دسته از موسیقی‌هایی که توسط انسان‌های خاص اجرا می‌شوند، قادر به انتقال پیام الهی هستند.

د. موسیقی ناشی از ارتعاشات فیزیکی هوا است که با ترکیباتی انتزاعی به گوش می‌رسد، بر این اساس، قادر به انتقال هیچ پیامی از آفریدگار نیست.

ه. نظر دیگری دارم

نتیجه نظرات شرکت‌کنندگان در نمودار زیر دیده می‌شود:



نمودار ۳- نظر شرکت‌کنندگان در مورد دیدگاه عرفا در خصوص موسیقی به عنوان واسطه پیام بین پروردگار و انسان.

تجزیه و تحلیل پاسخ‌های شرکت‌کنندگان نشان می‌دهد که موسیقی‌دانان جوان امروزی ایران، تا حدود زیادی بر این معنا که موسیقی به گونه‌ای واسطه ارتباط پروردگار و انسان‌ها

در آفرینش، هر چیزی این قابلیت را دارد که به چیز دیگری تشبیه شود. تشابه موسیقی و افلاک یکی از بی‌شمار مواردی است که ذهن بشر به آن توجه کرده است.

• موسیقی امکان مقایسه با هر نوع فرایند سیستماتیکی را دارد.

• موسیقی و افلاک هر دو بر اساس نظم کار می‌کنند، هیچ چیز مشترک دیگری بین این دو وجود ندارد.

• دیدگاه دوری یا چرخه‌ای باعث تلقی تشابه بین موسیقی و افلاک شده است؛ هیچ چیز مشترک دیگری بین این دو نیست.

• موسیقی از ذهن سازنده آن (آهنگساز) زائیده می‌شود و هیچ ارتباطی با افلاک ندارد.

### ۲. تشابه آدمی به سازی در دست پروردگار

در سؤال دوم جمله زیر طرح شد:

«عقیده‌ای عرفانی وجود دارد که بر اساس آن آدمی مانند سازی در دست پروردگار است و او هر نغمه‌ای که بخواهد با این ساز می‌نوازد.»

سپس از شرکت‌کنندگان خواسته شد یکی از گزینه‌های پنج‌گانه ارائه شده را انتخاب نمایند:

الف. کاملاً موافقم

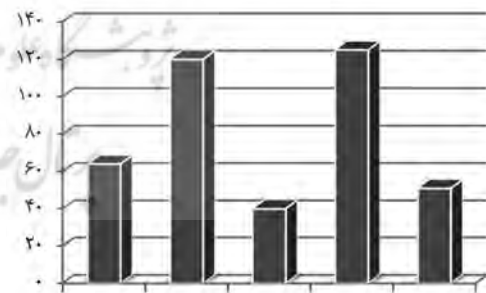
ب. گاهی اوقات انسان مانند سازی در دست پروردگار است و گاهی نیست، بستگی به موقعیت و شرایط روحی او دارد.

ج. برخی عارفان به صورت سازی در دست پروردگار هستند و این خاصیت برای همه انسان‌ها وجود ندارد.

د. کاملاً با این ایده مخالفم.

ه. نظر دیگری دارم.

نمودار زیر نتایج حاصل شده از پاسخ شرکت‌کنندگان را به صورت ستونی و در مبنای عددی به نمایش می‌گذارد:



نمودار ۲- نظر شرکت‌کنندگان در مورد دیدگاه عرفا در خصوص تشابه انسان به سازی در دست خداوند.

برخلاف اینکه دیدگاه پاسخ‌دهندگان در سؤال قبل بسیار به هم نزدیک بود، در مورد موضوع اعتقاد به اینکه آدمی مانند سازی در دست پروردگار است، شرکت‌کنندگان به دو دسته تقریباً برابر تقسیم می‌شوند. ۳۰٪ از شرکت‌کنندگان معتقدند بسته به شرایط روحی، گاهی اوقات انسان مانند سازی در دست پروردگار هست و گاهی نیست، در مقابل، ۳۱٪ از شرکت‌کنندگان نیز کاملاً با این ایده مخالف هستند. ضمن آن که ۱۶٪ نیز معتقدند که انسان کاملاً مانند سازی در دست پروردگار عمل می‌کند. تجزیه و تحلیل پاسخ‌های شرکت‌کنندگان به این سؤال، نشان دهنده شکاف زیاد

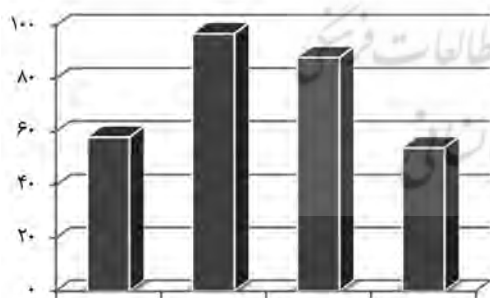
شمار جوانانی نیز که با این تفکر ناموافق هستند، قابل توجه است. ۳۱٪ افراد که اندکی کمتر از یک سوم شرکت‌کنندگان را تشکیل می‌دهد با این اندیشه موافق نبوده‌اند. تعداد کمی از شرکت‌کنندگان که بالغ بر ۶٪ می‌شود نیز نظرات شخصی متفاوتی بیان کرده‌اند که مهم‌ترین آنها به شرح زیر گزارش می‌شود:

- با کلمه شریف موافق نیستم ولی موافقم که هنرهای صوتی حس روحی بهتری دارند.
- هر دو جایگاه خود را دارند.
- باید دید منظور شرافت از دیدگاه ابن عربی چیست. اما به طور کلی هنر صوتی برای عموم ملموس‌تر از هنر بصری است.
- این دو باهم کامل کننده‌اند.
- ابن عربی از هنر هفتم بی‌اطلاع بوده، در غیر این صورت نظر دیگری می‌داشت.

## ۵. اوقات تغنی

در سؤال پنجم از افراد مورد مطالعه خواسته شد به سؤال زیر پاسخ دهند:

- آیا شما به طور کلی با «اوقات تغنی» (مناسب بودن چه مقامی برای چه موقعی از روز) موافق هستید؟ شرکت‌کنندگان می‌توانستند یکی از گزینه‌های چهارگانه زیر را انتخاب نمایند:
- الف. کاملاً بر اساس آنچه در رسالات کهن آمده موافقم.  
ب. موافقم ولی فکر می‌کنم باید دسته‌بندی جدیدی برای اجرای چه مقامی در چه هنگامی از روز طراحی شود.  
ج. در کلیات موافق ولی طبقه‌بندی جزئیات آن را بعید می‌دانم.  
د. چنین تقسیم‌بندی را فاقد کارایی و غیراصولی می‌دانم.  
نتیجه نظرات شرکت‌کنندگان در نمودار زیر دیده می‌شود:



نمودار ۵- دیدگاه شرکت‌کنندگان در مورد «اوقات تغنی»

تجزیه و تحلیل پاسخ‌های شرکت‌کنندگان نشان می‌دهد که ضرورت وجودی اوقات تغنی، مورد قبول شرکت‌کنندگان قرار دارد. حدود ۳۳٪ از شرکت‌کنندگان معتقد به موضوع اوقات تغنی هستند ولی فکر می‌کنند باید دسته‌بندی جدیدی برای اجرای چه مقامی در چه هنگامی از روز طراحی شود و حدود ۲۶٫۶٪ نیز در کلیات با این موضوع موافق هستند، لیکن ارائه طبقه‌بندی در جزئیات را بعید دانسته‌اند. حدود ۱۸٪ از شرکت‌کنندگان نیز چنین تقسیم‌بندی را فاقد کارایی و غیراصولی قلمداد کرده‌اند.

است، اعتقاد دارند. تنها ۱۶٪ از شرکت‌کنندگان معتقد بوده‌اند که موسیقی صرفاً نتیجه ارتعاش فیزیکی اجسام است و قادر به انتقال هیچ‌گونه پیامی از خالق نیست. نمودار همچنین نشان می‌دهد که بیشترین تعداد (۴۲٫۵٪) شرکت‌کنندگان معتقدند این پیام دائماً در حال انتقال است، اما شخص باید در خود آمادگی دریافت را فراهم آورد. نتیجه بررسی پاسخ‌ها به این سؤال نشان می‌دهد، این دیدگاه عرفانی هنوز جایگاه نسبتاً قدرتمندی در جوانان دارد. ۱۲٪ از پاسخ‌دهندگان، پاسخ‌هایی متفاوت از گزینه‌های ارائه شده داشته‌اند، که ذیلاً مهم‌ترین این نظرها نمایش داده می‌شود:

- هیچ چیزی پشت این پنجره قرار ندارد، هرچه هست همین دنیای مادی است که دیده می‌شود.
- موسیقی توانایی انتقال روشن هیچ پیامی را ندارد.
- هر موسیقی‌ای، احساس خاص مربوط به خود را انتقال می‌دهد نه پیام دارای معنایی را.
- خداوند در درون ماست پس هرچه نواخته می‌شود، نواخته اوست.

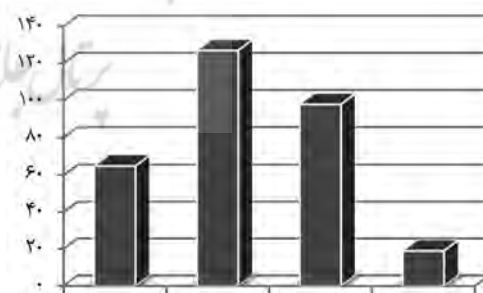
## ۶. هنرهای صوتی شریف‌تر از هنرهای بصری

در سؤال چهارم از افراد مورد مطالعه خواسته شد به سؤال زیر پاسخ دهند:

- آیا شما با این اندیشه ابن عربی که «هنرهای صوتی شریف‌تر از هنرهای بصری است»، موافقید؟ شرکت‌کنندگان می‌توانستند یکی از گزینه‌های چهارگانه زیر را انتخاب نمایند:

- الف. کاملاً موافقم  
ب. تا حدودی موافقم  
ج. موافق نیستم  
د. نظر دیگری دارم

نتیجه نظرات شرکت‌کنندگان در نمودار زیر دیده می‌شود:



نمودار ۶- دیدگاه شرکت‌کنندگان در مورد دیدگاه ابن عربی در زمینه این که «هنرهای صوتی شریف‌تر از هنرهای بصری است»

تجزیه و تحلیل پاسخ‌های شرکت‌کنندگان نشان می‌دهد که مجموعاً افرادی که گزینه‌های «الف» یا «ب» را انتخاب نموده‌اند و به نوعی با آن اندیشه موافقت دارند، بیش از ۶۲٪ است، که از این میان ۲۱٪ به طور مطلق با اندیشه شریف‌تر بودن موسیقی نسبت به هنرهای تصویری موافق هستند. این امر تا حدی نشان‌گر عمومیت این اندیشه کهن در نزد نسل جوان موسیقی است. البته

## نتیجه

عارف ایرانی را می‌توان یافت که در باب سماع رساله‌ای نداشته باشد. بر این اساس در مجموع هنرهای صوتی در نزد عرفا بر هنرهای بصری اشرف است. بررسی‌های انجام گرفته در مطالعه می‌دانی نشان از آن دارد که حدود دو سوم جوانان شرکت‌کننده در نظرسنجی، به نوعی با این اندیشه موافق بوده‌اند. حدود یک سوم افراد نیز با شریف بودن هنرهای صوتی نسبت به هنرهای بصری موافق نبوده‌اند. البته این دسته، جایگاه موسیقی به عنوان یک هنر شریف را پایین ندانسته‌اند، بلکه در اغلب اوقات، ارجحیت یک هنر به هنر دیگر را غیرقابل قبول دانسته‌اند.

شیوه طبقه‌بندی اوقات تعغی در رسالات کهن از نظر جوان امروز تا حدود زیادی نیاز به بازنگری دارد. به عبارت دیگر جوان ایرانی بر آن باور است که موسیقی هر دوره، بنا به مقتضیات حسی و عاطفی مردمان همان دوره باید طبقه‌بندی شود. با همه این اوصاف، او باور دارد که امکان طبقه‌بندی موسیقی برای زمان‌های مختلف روز و شرایط متفاوت آن میسر و پذیرفتنی است. چرا که صرفاً ۱۸ درصد از جوانان مورد مطالعه چنین تقسیم‌بندی را فاقد کارایی، و غیراصولی قلمداد کرده‌اند.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت مطالعات انجام گرفته در زمینه باورپذیری دیدگاه‌های فلسفی و عرفانی اندیشمندان ایرانی توسط جوانان موسیقی‌دان ایرانی، امکان ارائه یک نظر کلی در زمینه وجود یا عدم وجود باور به اندیشه‌های کهن را ایجاد نمی‌کند. جوان امروز ایرانی برخلاف پیشداوری‌هایی که او را فاقد نظر و بی‌تفاوت می‌انگارند، در زمینه آرای مختلف، واکنش‌های متفاوتی از خود نشان می‌دهد و پس از تفکر لازم در مورد هر نظریه فلسفی یا عرفانی - صرف نظر از اینکه صاحب نظریه چه کسی باشد - اعلام پذیرش یا عدم پذیرش در مورد آن می‌کند. نتایج مطالعات انجام شده در این پروژه همچنین حکایت از رنگارنگ بودن و تنوع دیدگاه‌های جوانان در زمینه موضوعات فلسفی و عرفانی دارد. این تنوع دیدگاه می‌تواند در نوع خود امید به آینده‌های روشن‌تر را برای جامعه ایرانی نوید دهد. با همه این اوصاف به نظر می‌رسد ساختار ذهنی و درونی جوان ایرانی به هر نوع هنوز تحت تأثیر اندیشه‌های سترگ عرفانی و فلسفی نیاکان خود است، هرچند در دنیای پیرامون در مورد بروز، پرورش و بهره‌گیری از آن با کاستی مواجه باشد.

نتایج حاصل شده از مطالعات میدانی پژوهش حاضر این واقعیت را آشکار ساخت که، اگرچه تعداد بسیار محدودی از جوانان مورد مطالعه، قائل به ارتباط کامل موسیقی و افلاک هستند، لیکن حدود ۷۲٪ از آنها معتقدند که موسیقی، قابلیت مقایسه با نظام افلاک را دارا است (پاسخ دهندگان به گزینه‌های «ب» و «ج»). نتایج همچنان نشان داد که از نظر حدود ۱۵٪ شرکت‌کنندگان، چنین مقایسه‌هایی بی‌پایه و اساس هستند که در جامعه سنتی ایرانی درصد قابل ملاحظه‌ای محسوب می‌شود. بررسی شمار پاسخ‌دهنده‌های مثبت به این سؤال (به عنوان سؤالی که دیدگاهی فلسفی در مورد موسیقی را مورد کاوش قرار می‌دهد)، نسبت به شمار پاسخ‌دهندگان به موضوعات عرفانی، نشان از پیوستگی شیوه تفکر فلسفی نسل جدید با نسل‌های قبل نسبت به دیدگاه‌های عرفانی دارد.

اگرچه هنوز تعداد زیادی از جوانانی را می‌توان یافت که به نوعی قائل به ارتباط موسیقی و افلاک هستند، نتایج این پژوهش نشان داد که پیروان دیدگاه عرفانی که آدمی را چون سازی در دست پروردگار می‌داند، بسیار متفاوت فکر می‌کنند. بر این اساس نیمی از شرکت‌کنندگان قائل به چنین باوری هستند در صورتی که نیم دیگر چنین چیزی را اساساً نمی‌پذیرند. البته در این زمینه تفاوت دیدگاه بین افراد مورد مطالعه از منطقه اصفهان با دو منطقه دیگر چشم‌گیرتر است. به این ترتیب که تعداد دیدگاه‌های مثبت در اصفهان حدود ۷٪ بیش از دو منطقه دیگر است.

مطالعات انجام شده بر روی جامعه آماری مورد بررسی در این پروژه، این واقعیت را به تصویر کشید که علیرغم آنکه دیدگاه طرح شده قبلی طرفداران نسبتاً محدودی در میان جوانان دارد، اما دیدگاهی که بر اساس آن موسیقی واسطه ارتباط آفریدگار و آدمی است، از اقبال بیشتری در بین جوانان برخوردار است. بررسی در این مورد نشان داد که صرفاً ۱۶٪ معتقد به کارکرد موسیقی به عنوان واسطه پیام الهی و آدمی نیستند و مابقی به نوعی از این دیدگاه عرفانی دفاع می‌کنند. این به معنی تفاوت بسیار جدی در دیدگاه جوان ایرانی و جوان غربی، علیرغم وجود وسایط ارتباطی بسیار متنوع در دوره حاضر است.

هنرهای بصری در فرهنگ ایرانی به ویژه در دوره پس از ورود اسلام، جایگاهی پایین‌تر از سایر هنرها داشته است. کمتر

## فهرست منابع

- سعیدی، مصلح‌بن عبدالله (۱۳۷۲)، کلیات سعدی، به اهتمام محمدعلی فروغی، چاپ نهم، امیرکبیر، تهران.
- فریدالدین عطار نیشابوری (۱۳۸۳)، تذکره‌الاولیاء، به کوشش محمد استعلامی، چاپ چهاردهم، زوار، تهران.
- مددپور، محمد (۱۳۸۴)، حکمت انسی و زیبایی شناسی عرفان هنر اسلامی، سوره‌ی مهر، تهران.
- مولانا جلال‌الدین محمد (مولوی) (۱۳۷۸)، مثنوی معنوی، بر اساس نسخه تصحیح شده رینولد نیکلسون، با مقدمه استاد بدیع‌الزمان فروزانفر، انتشارات امیرمستعان، تهران.
- مولانا جلال‌الدین محمد (مولوی) (۱۳۴۵)، کلیات شمس یادیوان کبیر، به تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

- بلخاری، حسن (۱۳۸۳)، نسبت میان اسطوره، فلسفه و موسیقی، مقاله در همایش بین‌المللی صفی‌الدین ارموی، فرهنگستان هنر، تهران.
- بلخاری، حسن (الف) (۱۳۸۸)، سرگذشت هنر در تمدن اسلامی (موسیقی و معماری)، چاپ دوم، سوره مهر، تهران.
- بلخاری، حسن (ب) (۱۳۸۸)، هندسه خیال و زیبایی، فرهنگستان هنر، تهران.
- حافظ (۱۳۷۸)، دیوان حافظ، به کوشش خرمشاهی، بهاء‌الدین چاپ سوّم، انتشارات طرح نو، تهران.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۱)، لغت‌نامه، بنیاد لغت‌نامه، لوح فشرده.